

و در حال حاضر جوانان چاه بهار تنها نیازمند نیروهای متعهد و متخصصی می باشند که به آنان آموزش های اسلامی و انقلابی دهند.  
اما، مسأله مهمی که در آموزش مردم تاثیر منفی دارد، وجود افراد غیر بومی است که بصورت تبعید در منطقه و ادارات بسر می برند. این افراد که عموماً از دسته «ناباب» های جامعه هستند، با رفتار و حرکات غیر اسلامی خود به روند حرکت انقلاب اسلامی ضربه می زنند و با کارشکنیهای خود در ادارات مردم محروم را از دستیابی به ثمرات انقلاب ناامید می کنند.

بطور کلی در زمینه مسائل فرهنگی این استان فقر و نارساییهای شدیدی ملاحظه می شود که برای جبران آن، فعالیتهای اساسی شامل تقویت روحانیت مبارز، اعزام نیروهای متعهد و آموزش فرهنگ

انگلیسی ها، سیاه پوستان آفریقا را بعنوان برده بکار می گرفته اند. مانند سیاه پوستان پس از رفتن انگلیسی ها از جنوب ایران ادامه می یابد و اکثر آنها در روستاها به خدمت فئودالها درآمده و یا به کارهای جزئی مشغول می شوند.

و با مطالبی که گفته شد، درصد و میزان آشنائی مردم نسبت به انقلاب اسلامی آشکار می شود. البته از لحاظ آشنائی با فرهنگ انقلابی در اثر فعالیت نهادهای انقلابی تغییرات نسبتاً مهمی در جامعه صورت یافته و هم اکنون دیدگاههای مردم نسبت به گذشته بسیار متفاوت می باشد. جوانان منطقه نیز به میزان قابل توجهی با انقلاب همراه و همگام شده و اکنون به حمایت از انقلاب اسلامی برمی خیزند! و علاوه بر آن پیروزی انقلاب موجب شده تا حدود زیادی زمینه های تربیت پذیری در آنان گسترش یابد

در کنار ساحل گرم دریای عمان، در انتهای ترین نقطه سیستان و بلوچستان که ایران به مرزهای آبی خود می رسد و محرومیت و ناسازگاری طبیعت به اوج خود در آنجائی که ساکنانش از زمانی که بدنیا می آیند و از دنیا می روند جز رنج چیز دیگری بدست نمی آورند، چاه بهار قرار دارد.

چاه بهار اگر چه در کنار دریای عمان قرار دارد و می باید از آب و هوائی مرطوب و خنک برخوردار باشد، اما این شهر نیز همانند دیگر آبادیهای این خطه دارای تابستانهائی داغ و سوزان و زمستانهائی معتدل است. و اگر چه...

در اینجا نگاهی کوتاه داریم به موقعیت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی چاه بهار، به آن امید که با یادآوری مشکلات و بازگونی نیازها، بتوانیم هرچه زودتر فقر را از بین برده و جای آن سعادت و خوشبختی برای مردم به ارمغان بیاوریم.

## گزارشی از موقعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی چاه بهار

### فرهنگ مردم چاه بهار

آنچه که نحوه تفکر و زندگی یک فرد را در سیستان و بلوچستان تعیین می کند و به زندگیها رنگ و بوم می دهد، فرهنگ، عادات و سنتی است که از سالیان پیش، به ارث مانده است. و این فرهنگ با تمام جوانب خوب و بد، مهمترین شاخص و میزان رفتارها و پندارها است. در منطقه چاه بهار نیز مسأله فرهنگ از مهمترین عوامل بشمار می آید.

فرهنگ قومی، قبیله ای و گاه خرافی بشدت بر زندگی ها حکمرانی می کند. ۹۰٪ مردم از خواندن و نوشتن محروم هستند و شهر چاه بهار با تمام جمعیت و نیازش تنها دودبیرستان، یک هنرستان و یک مدرسه راهنمایی برای کسانی که می خواهند چیزی بیشتر از دوره ابتدائی بدانند، وجود دارد. اگر چه ظاهراً یک مدرسه دوره راهنمایی برای دختران وجود دارد، اما بنظر می آید که همین یک مدرسه نیز تکافوی تمام جمعیت شهر را نکند. چرا که مردم این منطقه به دختران خود کمتر اجازه تحصیل و شرکت در مسائل و جریانات اجتماعی میدهند.

درگیریها و کشمکشهای قومی و قبیله ای که هر چند وقت یکبار رخ می دهد، شاید بعنوان امری عادی در میان مردم چاه بهار درآمده باشد. این درگیریها بیشتر ناشی از تحریکات متنفذین منطقه از جمله خان ها، سرمایه داران و گاه اختتامات جزئی می شود و هربار کشته و زخمی های فراوانی از دو طرف باقی می گذارد.

از تبعیض زیاد، رنگ پوست و، خود تفکر برد - داری و برتری سفید بر سیاه نیز هنوز آثاری در منطقه هست. تاریخ ورود سیاه پوستان، به زمان تسلط انگلیسی ها به جنوب ایران باز می گردد. در آن زمان

# مردم چاه بهار به آموزشهای اسلامی و انقلابی نیازمندند!

اسلامی می تواند کارساز باشد.

### فضای سیاسی

دوری از جریانات انقلاب که نتیجه فقر فرهنگی است، مردم منطقه چاه بهار را از نظر سیاسی ضعیف نگاه داشته و حتی تا چندی پیش گروههایی از آنها در اثر تحریکات خوانین، سرمایه داران، شیخها و... بشدت در مقابل جریانات انقلابی ایستادگی می کردند. زمانی که جهاد سازندگی و سپاه پاسداران در حال تشکیل بود، عده ای از مردم به تحریک آیدای آمریکا شروع به تظاهرات و مخالفت با تشکیل نهادهای انقلابی کردند، همچنین پس از تصرف لانه جاسوسی آمریکا، باز عده ای از مردم بر علیه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام تظاهرات کرده و عمل انقلابی آنان را محکوم کردند.  
در گذشته میزان فعالیت ضد انقلابیون بسیار زیاد بوده و با تحریک مردم و اجیر کردن مزدوران و توزیع اسلحه بین آنها، امنیت منطقه را بخاطر می انداختند. طیف ضد انقلابیون را خوانین، اشرار و گروهکهای مانند چریکهای فدائی اقلیت و بیکار و تعداد زیادی از کدخداهای روستاها تشکیل



جاهد

زمین را شخم می زنند البته در بعضی از مناطق مانند نیک شهر، قصرقند، گرم بید و کبیر کشاورزی بصورت آبی است که قسمتی از زمینهای این مناطق مشمول لایحه واگذاری زمین شده و درست کشاورزان می باشد. اما مالکیت عمده زمینها در دست افراد صاحب نفوذ بوده و کشاورزان فقیر برای آنها کار می کنند و در پایان سال کشت، مقداری از محصول را بعنوان دستمزد دریافت می کنند و صاحب زمین نقشی در مراحل کاشت، داشت و برداشت محصول ندارد و تنها برای

گرفتن سهم خویش از محصول سروکله اش پیدا می شود از نظر کیفیت خاک، زمینهای این منطقه بسیار مرغوب هستند و از سوی دیگر وضعیت آب و هوا به نحوی است که کشاورزی می تواند در چهار فصل سال از زمین برداشت کند بطور کلی طی دو سال پس از انقلاب سلسله فعالیتهایی در جهت گسترش و تقویت کشاورزی منطقه انجام گرفته و



در زمانی نه چندان دور مردم چاه بهار به مخالفت با نهادهای انقلابی بر می خاستند، اما اینک مردم بومی این شهر بازوی توانای انقلاب گشته اند.

**\* در کشاورزی هوان منطقه می تواند سالی چهار بار از زمین بهره برداشت کند**

**\* پس از پیروزی انقلاب زمینسه های تربیت پذیری در جوانان منطقه چاه بهار بسیار گسترش یافته است.**

**\* فرهنگ و سنت های باقیمانده از قبل، مهمترین شاخص و میزان رفتارها و پندارهای مردم این منطقه است.**

موفقیتهای بسیاری نیز بدست آمده است.

### مشکلات

یکی از بزرگترین مشکلات کشاورزی چاه بهار، وجود خوانین و فئودالها در منطقه می باشد. بزرگ مالکان پس از زدن چاه و گذاشتن موتور پمپ بروی زمین آنها به کشاورزان محلی می سپارند تا بروی آن کار کنند و در مقابل مقدار زیادی از محصول را تحویل می گیرند. برای احقاق حقوق کشاورزان باید دست این افراد از زمینها کوتاه گردد و هر چه زودتر زمین و امکانات کشاورزی در اختیار روستائیان قرار گیرد، البته هیات های ۷ نفره واگذاری زمین در چاه بهار تشکیل شده و امید آن است که بتواند با تقسیم زمین و فعالیت بیشتر قسمت مهمی از مشکلات کشاورزی را از بین ببرد.

مشکل دیگر کشاورزی چاه بهار، عدم آشنایی کشاورزان به فنون و ماشین آلات کشاورزی است همچنین این مشکل گریبانگیر قاچاقچیان جزء نیز هست که می خواهند کار قبلی خود را رها کرده و به

بقیه در صفحه ۷۲

کشاورزی کبیر و گاه نبود آب و باران، خرابیهای ناشی از سیاست های غلط رژیم گذشته را تشدید کرده و کشاورزی منطقه چاه بهار بمانند بسیاری از مناطق، در ورطه نابودی قرار داده است. همچنین این سیاستها که همواره تلاش های مردم را به یاس مبدل می کرده است مردم زحمتکش این ناحیه را بحالت رخوت و تن پروری دچار کرده است و دورانی که کشاورزان زمین های بی حاصل و بی آب خویش را رها می کردند و به کار قاچاق رو می آوردند، بسیار دور نیست. و اکنون حتی کارهای کوچک از جمله نانوائی را افراد غیر بلوچ های پاکستانی که به منطقه آمده اند، انجام میدهند و تنها در پاره ای از روستاها و مناطق، کشاورزی و صنایع کوچک دستی مانند حصیر بافی باقی مانده است.

عمده ترین محصولی که کشاورزان این منطقه بیار می آورند، ماش و یک نوع غلات خوشه ای است که از آن نان درست می کنند زمین های منطقه چاه بهار غیر قابل نفوذ بوده و آب را در خود نگه می دارد و کشاورزان برای کاشت محصول اول دانه را بر روی زمین پاشیده و بعد

می دادند که آنها یا ایجاد ناامنی، حاکمیت دولت را در منطقه مخلوش می کردند. همچنین با تحت فشار قرار دادن انقلابیون مسلمان و روحانیت اهل تسنن طرفدار انقلاب و قتل و غارت اعضای نهادهای انقلابی بخصوص سپاه پاسداران و جهاد سازندگی سعی در ایجاد جو تهدید و آشوب داشتند. البته در حال حاضر و پس از حاکمیت نسبی دولت جمهوری اسلامی این آشوبها تا حدود زیادی فروکش کرده و ضد انقلابیون بویژه خانها به پاکستان متواری شده و در آنجا بکمک آمریکا گرد هم جمع شده اند که گردانندگان آنها بختیار و سرهنگ بنی عامری رهبر کودتای نوزده می باشد. در مناطق مرزی سعی در جهت ازار مردم تحریک و تسلیح اشرار روستائی دارند. اشرار و خوانینی که در اوائل انقلاب به عراق پناهنده شده بودند، بتازگی نیز در میان آنان دیده می شوند. برای تضمین امنیت و ثبات سیاسی منطقه، دولت باید مرزها را بشدت کنترل کرده و با تقویت گروهها و افراد مسلمان و انقلابی و تقویت ارگانهای نظامی حضور خود را در منطقه اثبات بیشتری ببخشد و از فعالیت اشرار، خوانین و سرمایه داران که گردانندگان اصلی این معرکه می باشند جلوگیری کند.

نکنند اینگونه نباشد که خدای ناخواسته غرق در کارهای اجرایی شوند اگر چه کارهای اجرایی که جهادگران انجام میدهند، اجر و پاداش بسیار دارد. ولی توجه به خدا و ساعتی به خدا اندیشیدن و لحظه ای در فکر او زیستن، دعا خواندن و قرآن خواندن، نماز خواندن و... آثاری دارد که آن آثار باعث پیروزی ما در جبهه ها و در پشت جبهه ها و روستا ها شده است. جهادگران عزیز این حالات را فراموش نکنند و نباید فراموش کنیم. چونکه علت پیروزی ما در همین است. درست است که اگر ساعتی را به دعا و قرآن بگذرانیم، ساعتی از کار اجرایی عقب میمانیم، ولی باید بدانیم که نشاط در کار اجرایی بدلیل همان یک ساعت عبادت و توجه به خدا و راز

و نیاز و مناجات با خداست. برادران و خواهران عزیز جهاد متوجه باشند که این حالت را از دست ندهند. توجه به خداست که باعث پیروزی ماست. یاد خداست که اطمینان را بر قلبها آورده است. یاد خداست که ما را از وحشت از دشمنان غافل کرده است. و یاد خداست که ما را به خودش نزدیک کرده است و باعث شده که از رنجها و مشقتها در راه او لذت ببریم، از گریستن برای خدا لذت ببریم، از رنج بردن و زحمت کشیدن در راه او لذت ببریم، این یاد را فراموش نکنید. که اگر ما موفق هستیم در رابطه با خداست و بس. والسلام

## اجاره، مزارعه...

زده و چیزی به برداشتن مانده است. اما ناگهان بیمار می شود یا مسافرت می خواهد برود (خلاصه گرفتار می شود) حالا به آقای «ب» می گوید از اینجا تا موقع کشت محصول مسئولیتش به عهده تو باشد. هر چه محصول بدست داده به نحوی تقسیم می کنیم. این چه اشکالی دارد بنابراین اصل مزارعه یک زیربنای منطقی دارد. حالا اینجا باز سوال پیش می آید که «مزارعه» منجر به بیدایش «بر در امدها» و «کم در آمدها» در جامعه می شود؟

### مبارزه با استثمار در امر «مزارعه»

علاج اینکه مزارعه باعث استثمار نشود آسان است. علاجش این است که کاری کنیم تا هیچ زارعی بدلیل نداشتن زمین زراعتی و آب و بئر و ماشین آلات مجبور به فروش «نیروی کارش» به صاحب زمین و ماشین آلات و بئر نشود. این همان است که در قانون اساسی در «بند ۲» از اصل ۴۳ آورده ایم.

این «بند ۲» از اصل ۴۳، یک تز اقتصادی جدید طبق موازین اسلام است که من اسمش را تز فراوانی ابرار و امکانات تولید گذاشته ام. یک بند دیگرش هم تز «فراوانی امکان بهزیستی» است. مسئول این فراوانی هم دولت و نظام اجتماعی است. براساس این تز در عین اینکه چنین آزادی در جامعه وجود دارد که فرد گرفتار (که صاحب زمین است)، زمین و کشتش را به فرد دیگری واگذارد، در عین حال آقای «ب» هم می تواند جوانب امر را خوب بسنجد و حساب کند که آیا این فرار داد مزرعه واقعا به صرفه اش هست یا به صرفه اش نیست. این است که

روی اجاره مجبور نمی شود که با یک برداشت و دسترنج کم نیروی کار خودش را برای چند ماه بفروشد.

ما اجاره فروش نیروی کار به بهای ارزان را از بین می بریم و امکان این نوع تفاوت های اقتصادی را که خود بخود به طرفین مقداری آزادی زندگی می دهد، حفظ می کنیم. اقتصاد اسلامی ما اقتصادی است که دو بعد «آزادی» و «نفی استثمار» را با هم دنبال می کند.

### مساقات - آبیاری زمین

در مساقات فقط مسئله «آبیاری» زمین مطرح است. آن هم بیشتر در مورد آبیاری درخت و باغ و چیزهایی شبیه آن آقای «الف» یک باغ دارد. می خواهد به مسافرت برود. با آقای «ب» قرار داد می بندند که او باغ را آبیاری کند درختها را مراقبت کند اینجا دیگر آقای «ب» در کشت دخالتی ندارد. اما باید آبیاری، رسیدگی و مراقبت کند. آخر سال هم هر چه میوه داد با یک نسبت معقولی باید با هم تقسیم کنند. این هم شبیه همان مزارعه است (و شیوه برخوردمان هم مثل مسئله مزارعه می باشد).

مسائل مربوط به سرمایه مستغلاتی به امر «مضاربه» منتهی می شود و اینکه آیا اصولا «مضاربه» یک اصل اسلامی است یا غیر اسلامی، استثمار گرانه است یا غیر استثماری است و سرانجام شیوه برخورد ما (یا به عبارتی آیت الله بهشتی) با مسئله مضاربه چیست. این مطالب را انشاء الله در شماره آینده بررسی خواهیم کرد.

ادامه دارد.

کشاورزی رو بیاورند. برای حل این مشکل نیز باید نیروهای متخصص به منطقه اعزام و هرچه زودتر آنان را به روش های کشاورزی، دفع آفات و طرق آبیاری آشنا سازند.

کمبود آب نیز از دیگر مشکلات مهم است. با وجود رودخانه های پرآبی که در منطقه جریان دارد، و با هرز رفتن آب این رودخانه ها زمین های منطقه چاه بهار همچنان تشنه هستند. مهار کردن آب رودخانه ها و سیلابهای که معمولا بعد از ریزش هرباران براه می افتد می تواند، نقش بسیار مهمی در کشاورزی منطقه داشته و علاوه بر این از خوابهای سیلابها جلوگیری شود. عدم وجود راه نیز از بزرگترین مسائل منطقه که راه رسیدن ماشین آلات کشاورزی بخصوص موتور پمپ، خودروهای سبک و سنگین و دیگر تجهیزات را ناهموار می کند. دامپروری در این منطقه رواج دارد اما بعلت عدم وجود دامپزشکی دامها اکثرا آغز، ضعیف و مریض هستند و بسیاری از دامها که گاه تنها سرمایه روستائیان است. در اثر بیماریهای گوناگون تلف می شوند. مهمترین عاملی که قادر است کشاورزی و در نتیجه دامپروری را در این منطقه احیا کند، اجرای سریع لایحه واگذاری ارضی می باشد. دادن زمین و آب و بدنبال حمایت همه جانبه از نظر وسایل و امکانات کشاورزی می تواند زندگی نوینی را به مردم محروم منطقه ببخشد و علاوه بر افزایش تولیدات کشاورزی و بالا رفتن سطح زندگیها، قاجاق را که از مهمترین ابتلائات این مردم است به کشاورزی شکوفا مبدل سازد.

## جهاد سازندگی بازسازی...

ولایت امر است. برای ما که مثل روز روشن است، در طول حرکت انقلاب و سپس بعد از پیروزی آن، نقش این معیار چه بوده است، چرا از آن دست برداریم و یا اینکه از آن تبلیغ نکنیم؟

بنابراین اگر برای ما، با انهمه تجربیات مکرری که در طول انقلاب اسلامی اتفاق افتاده، این نکته محرز شد، بایستی بیشتر فکر بکنیم و از اختلافات و تفرقه هایی که در میان مسلمانان و امت شهیدپرور ما آگاهانه و یا ناآگاهانه انداخته می شود، جلوگیری کنیم و با تبعیت از ولایت قیبه و ولایت امر در عمل، به این مهم جامه عمل ببوشانیم.

والسلام